



بررسی مسأله اجتماعی از دیدگاه سید قطب

مریم شعبان

عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی واحد مرکزی

M69.shaban@yahoo.com

چکیده:

مسأله اجتماعی به کنش‌ها و وضعیت‌هایی اشاره دارد که شکننده نظم موجود و یا موانعی بر سر راه توسعه و پیشرفت جامعه هستند. پژوهش حاضر با روش اسنادی به دنبال بررسی چیستی، چرایی و چگونگی مسأله اجتماعی از منظر اندیشمند و متفکر جهان اسلام، سید قطب است.

به نظر سید قطب، مسأله اساسی که جهان اسلام با آن روبه‌رو است جاهلیت و بی‌تمدنی است. سید قطب با تعریف جدیدی که از مفاهیمی مانند جاهلیت و بی‌تمدنی ارائه می‌دهد، در اصل آنها را مساوی با غرب‌زدگی و فراموشی اصول دین اسلام و عصر طلایی زمان پیامبر می‌داند. بنابراین، سید قطب چاره‌نمایی را در بازگشت به اسلام نخستین در زمان پیامبر می‌داند و رجعت او نه مبتنی بر جریان‌های اصلاح دینی بلکه بازگشت تام و تمام است. اقدام اساسی در راستای چنین رجعتی از نظر سید قطب، جهاد در جهان اسلام به عنوان یک امت واحد و متحد می‌باشد.

کلید واژه: مسأله اجتماعی، سید قطب، غرب‌زدگی، رجعت، جهاد.

مقدمه و طرح مسأله:

«به اعتقاد جامعه‌شناسان، زمانی که تعداد کافی از مردم یک جامعه موافق‌اند وضعیت موجود، کیفیت زندگی و ارزش‌های اساسی آنها را تهدید می‌کند و باید کاری برای جبران آن موقعیت انجام شود در واقع، جامعه آن موقعیت را به عنوان یک مسأله اجتماعی تعریف کرده است.» (Kornblum, 1980: 12).

به اعتقاد جامعه‌شناسان ملاک و معیار اصلی در تشخیص و تحلیل مسائل اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی پذیرفته‌شده و تعمیم‌یافته در نزد مردم است. همچنین گفته می‌شود ارزش‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ارزش‌های مطلق و نسبی.

در ارزش‌های مطلق، گذشت زمان و تغییر مکان در آنها اثری ندارد و معمولاً متعلق به دین هستند و ارزش‌های نسبی یا اجتماعی نیز تابع شرایط زمانی و مکانی‌اند. ارزش‌هایی که مبدأ مسأله‌شناسی جامعه‌شناختی و تحلیل از بحران اجتماعی است، ارزش‌های دسته دوم، یعنی ارزش‌های نسبی یا اجتماعی هستند. ارزش‌هایی که در نهایت مبدأ مسأله‌شناسی عالم دینی و تحلیل او از محیط اجتماعی اطراف است، ارزش‌های دسته اول، یعنی ارزش‌های مطلق دینی خواهند بود (معیدفر، ۱۳۷۹: ۶۸).

امروزه در جوامع دینی مانند جامعه ایران، اهمیت روزافزون مسأله جامعه‌شناسی منجر به کمرنگ شدن مسأله‌شناسی دینی توسط عالمان دین شده است. بنابراین، مسأله‌شناسی جامعه‌شناختی حتی به معنای پوزیتیویستی آن به مسأله‌شناسی دینی ارجعیت دارد. در چنین حالتی جامعه‌شناس ممکن است چیزی را به عنوان مسأله اجتماعی تعریف کند که با ارزش‌های مردم انطباق ندارد؛ بدیهی است در این صورت ممکن است مردم به دلایل مختلف به اموری نادرست عادت کرده باشند و سنت به آنها عکس‌العمل نشان دهد، در چنین حالتی مسأله‌شناسی جامعه‌شناختی همواره با نقص مواجه است و نیازمند درک مسأله مبتنی بر زمینه و شرایط معرفتی و غیرمعرفتی در جوامع دینی هستیم.

در هر جامعه و فرهنگی مسأله اجتماعی از مبادی وجودی معرفتی و غیرمعرفتی متأثر است. بنابراین اندیشمندان و متفکران الزاماً باید با توجه به مبادی معرفتی و غیرمعرفتی و ارزش‌های جامعه، مسائل اجتماعی را تشخیص داده و تعریف کنند. علاوه بر این، در جهت حل مسائل اجتماعی و ارائه راه‌حل مناسب، باید به مبادی معرفتی و غیرمعرفتی جامعه توجه کرد و در جوامع دینی مسأله‌شناسی دینی و ارائه راه‌حل متناسب با بستر دینی در راستای تولید نظریه‌های درون‌زا و بومی اهمیت